



## بررسی مبانی رئالیسم در رمان سفر اثر محمود دولت آبادی

ا.م.د. ثائر فضل عیسی<sup>1\*</sup>

<sup>1</sup> دانشکده آموزش پایه، دانشگاه سومر، نژی قار، عراق

### چکیده

رئالیسم در رمان ایرانی نقش بزرگی برای ظاهر شدن واقفگرای جامعه در ایفا کرد. جلوه های مختلف از قبیل سیاست، معایب جامعه، فقر و تهیدستی، زندگی روزمره، مبارزه، ناآگاهی مردم رئالیسم نامیده شد. رمانی با عنوان سفر اثر محمود دولت آبادی حاوی آن مفاهیم رئالیسم مذکور به موری بحث قرار می گیرد.

محمود دولت آبادی نویسنده ای که در نوشتن، ساختار و سبکی متفاوت با نویسندگان دیگر دارد، داستان سفر در فضایی روشن و واضح قرار گرفت. روش مقاله تحلیلی - توصیفی با بهره گیری از سبک نویسنده در رئالیسم است که در بیشتر آثار وی به کار گرفته شده است. هدف اصلی از این بررسی، یافتن مبانی و جلوه های رئالیسم است. با توجه به این که نویسنده در جامعه ی حساس و پر از تحولات اجتماعی و سیاسی زندگی می کرده است و او جزئی بزرگ از این زندگی را در داستان سفر روشن می کند. می توان در این اثر وصف قشر فقیر جامعه، طبقه کاکر، رسوم و آداب اهل جنوب، زن و اوضاع او و بسیاری از این رخ داد های اجتماعی را مشاهده کرد.

الكلمات المفتاحية: بررسی، داستان، مبانی رئالیسم، رمان، سفر، محمود دولت آبادی

## A literary study of realism in the travel novel by Mahmoud Dolatabadi

Asst. Professor Dr. Thaer Fadhel Essa<sup>1\*</sup>

<sup>1</sup> college of Basic Education, University of Sumer, Thi-Qar, Iraq

### Abstract

Realism played a major role in the Iranian novel to express the realism of society. Realism included various aspects such as politics, society's defects, poverty, injustice, daily life, struggle, people's ignorance, and others. The novel in question, which is considered a travelogue by author Mahmoud Dolatabadi, contains these concepts. The writer Mahmoud Dolatabadi was distinguished by a style different from other writers.

The events of the travel story take place in a clear and uncomplicated atmosphere. Its style is the same descriptive and analytical style, using the writer's style and realism, which is the style he uses in most of his works. The main purpose of this study is to find the foundations and features of realism. Considering that the author lives in a sensitive society full of social and political developments, a large part of this life is clearly reflected in the travel story. In this story, we see the work describing the suffering of the poor segment of society, the working class, the customs and morals of the people of the South, women and their conditions, and many of these social events.

**Keywords:** Mahmoud Dawlatabadi, novel, story, realism, safar

\* Email address: Thaer8008@gmail.com

## دراسة في النهج الواقعي في رواية السفر للكاتب الإيراني محمود دولت آبادي

أ.م.د. ثائر فضل عیسی<sup>1</sup>\*<sup>1</sup> كلية التربية الأساسية، جامعة سومر، ذي قار، العراق

## الملخص

حظيت رواية السفر للكاتب الإيراني محمود دولت آبادي على السهم الأوفر من النهج الواقعي، ولاسيما أن هذه المدرسة الأدبية كانت قد لعبت دوراً كبيراً في إيصال الرواية الإيرانية لمرحلة النضج الفني ومنها الرواية المذكورة آنفاً. لقد تناولت الرواية مظاهر مختلفة كالفضايا السياسية والاجتماعية والحياة اليومية التي يعيشها الفرد الإيراني وسط أجواء الاضطرابات التي يمر بها المجتمع في ظل السلطة الشمولية وسيادة المظاهر السلبية. يطرح الباحث في بحثه المفاهيم الواقعية في الرواية المذكورة وانعكاسها في النص السردي بوصف تلك المفاهيم، إحدى أهم مكونات العمل السردي وعناصره الفني، مستنداً في طرحه لها على الأسس التي جاءت بها المدرسة الواقعية الاجتماعية. كما قد بين الباحث في بحثه أن الكاتب محمود دولت آبادي، كان قد انماز عن أقرانه بأسلوبه الفريد الذي جعل من أثره المشار إليه، يخرج عن بوتقة الكتابة التقليدية الشائعة منذ ظهور الرواية الإيرانية بشكلها البسيط.

اتبع الباحث في هذه الدراسة، المنهج الوصفي - التحليلي، بكونه الوسيلة المناسبة لتحليل مجريات الأحداث القصصية، أخذاً من النص اقتباسات وشواهد دالة بشكل كافي على ما يتم طرحه من عناصر للمذهب الواقعي. كما استفتح الباحث بحثه بمقدمة وعرضه مختصر عن حياة الكاتب وخلصاً عن روايته التي تعكس الصراعات الطبقيّة والسياسية، مبيناً من خلالهما أن الكاتب لم يحد عن الواقعية وتحديداً الواقعية الاجتماعية بل كان من رواد تلك المدرسة الأدبية.

يعد كاتبنا من رواد الرواية الإيرانية الحديثة ومن ابرز مؤسسيها. وتحمل رواية " السفر " موضوعات عدة، اهمها الغربية والابتعاد عن الوطن، فضلاً عن جملة من الموضوعات التي تثير حيرة القارئ، وتجعله هائماً، باحثاً عن مفاتيح لتلك المبهمات في تلك الفترة الزمنية الحرجة من التاريخ الحديث لايران.

الكلمات المفتاحية: الرواية، سفر، محمود دولت آبادي، النقد الأدبي، الواقعية.

## بيان مسأله:

- رئاليسم یعنی چیست؟

- ایا نویسنده محمود دولت آبادی بیرو مکتب رئاليسم می باشد؟ وایا رمان مورد بحث، جز این مکتب ادبی به شمار می رود؟

- ایا رمان سفر وقایع سیاسی واجتماعی ملت ایران را ودر خصوص دین، سیاست، آگاهی ملت، تفاوت طبقاتی ... منعکس کرده است؟

- زنان در این رمان چه نقش داشته باشند؟

## هدف پژوهش :

نگارنده در این مقاله تلاش می کند مبانی رئاليسم را در رمان سفر به شکل روشن تبیین کند. چنانکه سعی می کند جلوه های مختلف را در لایه های رمان از قبیل سیاست، معایب جامعه، فقر و تهیدستی، زندگی روزمره، مبارزه، نا آگاهی مردم بر رسی کند. بنابراین هدف اصلی از این بررسی یافتن مبانی و جلوه های رئاليسم است.

## اهمیت و ضروره مسئله

مبانی رئاليسم عناصر مهم و اساس تشکیل دهنده ی رمان سفر است. این نشانه های رمان سفر را به شکل خوبی و روشن تشکیل می دهد و حضور بسیار مؤثر در وقایع رمان است. رمان سفر مضمون اصلی و برونی جامعه را به

خوبی ترسیم می‌کند. اتفاقاً این این رمان از لایه لایه مشاهده های دقیق در شهر و حوادث واقعی مطرح می‌کند. بنابراین اهمیت مسئله در لایه های رمان دیده می‌شود.

### پیشینه تحقیق:

تا اکنون مقاله های و کتاب های متعددی درباره نویسنده محمود دولت آبادی و آثارش، و به خصوص رمان هایش نوشته شده است. نویسنده یکی از بارزترین نویسندگان رئالیسم است که بیشتر ناقدان و پژوهندگان آثار وی را کاویده اند. با بررسی های انجام شده در مورد رمان سفر به این نتیجه رسیدیم:

مبنای رئالیسم به صورت کمتر مورد مطرح کرده است. اما بررسی مبنای این مکتب رئالیسم با تمرکز بر رمان سفر تا اکنون انجام نشده است که باعث می‌شود، نگارنده این مقاله در پی بررسی این موضوع خواهد بود.

### روش بحث:

این مقاله به شیوهی طبقه بندی و توصیفی- تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و الکترونیکی به تحلیل «رمان سفر» اثر محمود دولت آبادی پرداخته است.

### مقدمه:

رئالیسم<sup>1</sup> مکتب ادبی در فرانسه در قرن نوزدهم به عنوان یک تئوری ادبی تعریف می‌شود و بارزترین نویسندگان این مکتب گوستاو فلوربر<sup>2</sup> بود. اما اولین بار این واژه را در سال 1855 به کار برد که نویسنده به نام گریه این کلمه را در زمینه نقاشی استفاده می‌کند. (عنان، 1984: 4). بنابراین رئالیسم مکتبی ادبی است که تلاش می‌کند تا واقعیت را کشف و بیان کند. همواره در برابر احساس و تخیلات ذهنی با سلاح آگاهی مقابله می‌کند. نویسنده رئالیسم همان عکاسی است که از جهان واقعی به خوبی و صادقانه تصویر می‌گیرد و می‌پندارد زندگی مردم را در قالب نوشته به تصویر کشیده است. و می‌توان گفت که این مکتب یکی از مکتب های ادبی است که در اورپا ظاهر می‌شود. و دقیقاً مکتب " رئالیسم به عنوان شیوه ای خلاق، پدیده ای است تاریخی که در مرحله عینی از تکامل فکری بشر به ظهور رسید. زمانی که انسانها نیاز مبرمی به شناخت ماهیت جهت تکامل اجتماعی داشتند، زمانی که مردم، نخست به طور مبهم و سپس آگاهانه، دریافته اند که اعمال و افکار انسان از هیجانهای سرکش یا نقشه الهی ناشی نمی‌شود بلکه از علت‌های واقعی، یا به بیان دقیق تر، از علت‌های مادی سرچشمه می‌گیرد. شیوه رئالیستی در هنر و ادبیات زمانی به ظهور رسید که افراد جامعه با وظیفه شناخت آن با نیروهای ناشناخته ای مواجه شدند که عملکرد مکانیسم روابط اجتماعی را تعیین می‌کنند". (رافائل، 1357: 12)

چنانکه رئالیسم همچنان به جنبش فرهنگی فرانسه اشاره می‌کند که صحنه های مختلف زندگی، هنر، نمایش، ادبیات را به شکلی روشن به تصویر می‌کشد. "رئالیسم بعنوان مکتب ادبی، پیش از هر جای دیگر، در فرانسه به میان آمد، اما پایه گذاران مکتب ادبی رئالیسم نویسندگان بزرگی که امروزه ما می‌شناسیم نبودند، بلکه نویسندگان متوسطی بودند که اکنون شهرت چندانی ندارند. این نویسندگان عبارت بودند از شانفلوری<sup>3</sup> و مورژه<sup>4</sup> و دورانتی<sup>5</sup>. نام رئالیسم وقواعد مکتب آن را نخست شانفلوری در اولین نوشته خود در تاریخ 1843 میلادی به میان آورد" (سید حسینی، 1387: 273). اما شاهکار این مکتب بیان و بررسی اجتماعی و تصویر زندگی مردم و روابط آنها با جامعه است و بررسی بنیاد های محاوره و ساختمان کلی جامعه می‌باشد. (رافائل، 1357: 20)

نویسنده محمود دولت آبادی یکی از بارزترین نویسندگان رئالیسم است که بیشتر ناقدان متفق اند که وی نوشته های مهمی در زمینه داستانی نویسی خلق نمود. " هر چند سبک نویسندگی دولت آبادی در رمان سفر، رئالیسم انتقادی می باشد ولی او توانسته با قریحه ی بالای خود جنبه های ناتواریسم را با توصیف دقیق جزئیات و گرایش شخصیت های داستان بنویسد" ( امید روستا، 1399 : 170). دولت آبادی نویسنده واقعه گرایی که عرصه ی زندگی روزمره و رویداد حقیقی شخصیت های خود را به شکل روشن و دقیق می شناسد. و تلاش می کند دقیق ترین وقایع های مختلف را در آثارش منعکس کند. لذا داستان مورد بحث، جز این مکتب ادبی به شمار می رود.

### زندگی نامه او

نویسنده از مشهورترین نویسندگان ایرانی که سال ۱۳۱۰ خورشیدی در زادگاهش، روستای دولت آباد یکی از توابع سبزوار به دنیا آمد. او تحصیلات ابتدایی را در این روستا تمام کرد اما دوران راهنمایی را در شهر سبزوار سپری کرد. نویسنده برای کار به مشهد رفت و به عرصه ی نمایش و سینما وارد شد. پس از چند مدتی برای تکمیل دانش سینمایی و هنر خود به شهر تهران رهسپار شد. وی تئاتر پارس را که به آن علاقه زیادی داشته انتخاب می کند. ( دستغیب، ۱۳۷۸ : ۱۵). او درباره ی هنر و سینما می گوید " زندگی هنری من در آغاز با تئاتر شروع شد با دیدن تعزیه در روستا در کودکی و بازی در نقش هایی در تعزیه در دوران نوجوانی. بعدها با دیدن تئاتری در مشهد عاشق صحنه تئاتر و بازیگری شدم" ( شیری و قهرمان، ۱۳۹۶ : ۱۱-۱۵ )

نویسنده بیشتر عمر خود را دور از روستا سپری می کرد و فقط سیزده سال نخست از عمرش را در روستایی زندگی می کرد، او یکی از اعضا خانواده ی فقیر و تهیدست است. او کار نوشتن و هنر را از دوران جوانی شروع کرده بود وی در بیست سالگی در شهر تهران شروع به کار کرد. نویسنده فقر، حرمان، درد ورنج زندگی را می چشد و به همین دلیل بسیازی از وقتش را در چاپ خانه مشغول کار می شود. مدت طولانی در کار اولش یعنی تئاتر نمی ماند و به عشق خود یعنی نویسندگی پناه می برد. ( مشتاق مهر، 1388 : 75 )

### آثار وی

نویسنده با نگارش داستان در سال 1337 قدم در راه داستان نویسی نهاد. می توان آثار وی را به چند نوع از قبیل داستان، رمان، نمایشنامه، مقالات و سفرنامه تقسیم کنیم.

نخستین داستانش به نام «ته شب» در سال 1341 در مجله ی آناهیتا در تهران چاپ شد. از آن پس؛ کار نوشتن را با پشتکار ادامه داد و از سال 1347 داستان هایش در نشریات ادبی به صورت کتاب به چاپ رسید. آثار وی عبارتند از: داستان " ته شب " آوسنه بابا سبحان (داستان)؛ با شبیرو (داستان)؛ گوارهبان (داستان)؛ عقیل عقیل (داستان)؛ آهوی بخت من گزل (داستان)؛ هجرت سلیمان و مرد (مجموعه داستان)؛ لایه های بیابانی (مجموعه داستان)؛ ناگریزی و گزینش هنرمند (مجموعه مقاله)؛ موقعیت کلی هنر و ادبیات کنونی (مجموعه مقاله)؛ ما نیز مردمی هستیم (گفت و گو)؛ دیدار بلوچ (سفرنامه)؛ ققنوس (نمایشنامه)؛ تنگنا (نمایشنامه)؛ کارنامه سپنج (مجموعه داستان و نمایشنامه)؛ مجموعه مقالات دو جلد؛ روزگار سپری شده مرد سالخورده (رمان)؛ کلیدر (رمان)؛ جای خالی سلوچ. ( عابدینی، 1368 : ج 2 : 54 ).

داستان سفر همین داستان سرشار از مضامین است که بحران اقتصادی در جامعه را به خوبی به تصویر می کشد. بنابراین در این مقاله داستان سفر را به عنوان نمونه رئالیستی انتخاب می کنیم و تلاش می کنیم جلوه های رئالیسم را با تکیه بر مبانی واقعگرایی استخراج کنیم.

#### خلاصه داستان:

این داستان در سال 1345 به چاپ نخست رسید. محمود دولت آبادی در این اثر زندگی یک خانواده معمولی را از لحاظ تحولات و ابعاد اجتماعی انتخاب می کند. رمان با توصیف غروب، سنگینی فضای هوا و غبار شروع می شود. حوادث رمان همین وقایع مردم جنوب ایران است که سفر و غربت، فقر و تهی دستی، خانواده فقیر و طبقه کارگری دارد. محور اصلی داستان درباره شخصیت های اساسی مختار، خاتون، علی، مرحب و شخصیت های دیگر است. مختار کارگر آهنگری که سال های طولانی در این کارگاه کار می کند. او پیر می شود و مهارتی نداشت، تصمیم می گیرد کار خود را تغییر دهد و به کویت سفر می کند. آهنگری دیگر استاد آصفی است که در داستان کم حضور دارد و تمایل به این کار نداشت. مختار زنش خاتون و دختر کوچکش خاور را رها می کند و به کویت راه می یابد. خانواده وی از او خبر نداشت و با مشکلات مالی روبرو می شوند. در این معما جوانی به نام مرحب که او هم کارگر است، دیده می شود. او تازه به شهر آمد و با علی که در قهوه خانه شهر کار می کند آشنا می شود. علی قبل از آشنا شدن مرحب جوان خوب بود و از راه درست بیرون نمی رفت. بعد از آن، هر دو در روزهای تعطیل کارگاه وقت را شراب خواری و خوشگذرانی می گذراندند. پس از رفتن مختار، مرحب عاشق خاتون می شود و اوقاتی را با او می گذراند. در عین حال خبر (نادرست) غرق شدن مختار فرصتی بزرگ را به مرحب می دهد تا با خاتون نزدیک شود. سرانجام مرحب مختار را که زنده بود می بیند و با او روبرو می شود. مختار ماجرای خانوادش را می فهمد و خودش را زیر قطار می اندازد. اما مرحب پاهایش به زمین می چسبد....

#### سبک داستان:

نثر دولت آبادی ساده و جذاب است. وی همواره داستان های خود را برای خوانندگان تعریف می کند و لحن دلنشین و شیرین دارد. سبک او از زندگی روزمره مردم و از گفتار اهل سبزوار است و می توان گفت که این نثر کاملاً با حال و هوای داستان تناسب دارد. جایی که لازم است پرشور و هیجان و جای دیگر، آرام و ملایم است (عابدینی، 1368: 154) می توان گفت که نثر نویسنده نثر ابدایی و هنرمندانه است و همیشه تلاش می کند تناسبات دستوری، واژگانی و پیوند، ویژگیهای سبکی خود را به صورت منسجم و مورد قبول بیان می کند. به همین دلیل بعضی لغات و افعال پیشوندی و پیچیده یا قدیمی را حذف می کند. (اصفهانی، 1378: 185). اما برخی اوقات نویسنده واژه های کهنه و جدید به کار می برد. " مفهوم باستان گرایی محدود به احیای واژه های مرده نیست، حتی انتخاب تلفظ قدیمی تر یک کلمه، خود نوعی باستان گرایی است " (کدکنی، 1384: 266).

نویسنده نثر داستان سفر مضمون اصلی و برونوی جامعه جنوب را به خوبی ترسیم می کند. واقعیت داستان را از لایه لا به مشاهده های دقیق در شهر خود و حوادث واقعی مطرح می کند. سبک غالب داستان همان رئالیسم است؛ به گونه ای که شخصیت های آثارش وجودی حقیقی و ملموس دارند و افسانه و اساطیر یا فانتزی در این اثر، راه نیافته و به دلیل همین چیز او نویسنده رئالیست به شمار می رود، یعنی بیان تمام و کمال واقعیت های جامعه است. " دولت آبادی در حوزه ادبیات معاصر ایران، جایگاه و موقعیتی به نسبت همسان با فردوسی در آن برهه تاریخی خاص، برای خود دست و پا

کرده است همچنان که فردوسی در یک موقعیت مهم و مناسب تاریخی، همه میراث ملیت و فرهنگ ایرانی را که در خدای نامه ها و آثار شعوبی به پراکندگی دچار شده بود با رضایتی قلبی و چندین ساله، در یک شاهکار عظیم و ماندگار جهانی تجسم هنری بخشید و در همان حال، تمامی امکانات زبان فارسی را هم در همان اشکال خلوص آمیز اولیه، از تاراج تازیان در امان نگه داشت و به آیندگان منتقل کرد؛ دولت آبادی نیز از یک سو، در بن مایه های داستانی همان موضوعات مطرح در دهه های پیشین و همزمان با خود را دوباره در قدر و قامتی افراشته تر از دیگران به تصویر کشید؛ و از سویی دیگر تقریباً اکثر دستاورد های قابل بازیابی کهنسال و امکانات نویافته آن را در یک بافت ترکیبی به همنشینی با یکدیگر فراخواند ". ( قهرمان، 1382 : 74 ).

همچنین گفتیم نثر رمان سفر نثری زنده است، جان دارد و وهر که می خواهد صفحه های داستان را می خواند به طور آسان حسش را به مخاطبش منتقل می کند. خیلی کم از لغات غریب یا مهجور در صفحه های داستان سفر دیده می شود که این واژه های به اهل جنوب نسبت دارد. " حالا از منجیل تا این جا روی باریندباد خورده بود وحس می کرد گونه ها و چشم هایش می سوزند و گوش هایش از باد پر شده اند " ( آبادی، 1352: 16 ). به همین دلیل می توان گفت که سبک این داستان سبک رئالیست است و می توان مشاهده کرد که تمام قهرمانان اصلی و شخصیت های دیگر چهره واقعا دارند. ناقدان متفق اند که سبک نویسنده در اوج جذابیت و زیبایی است و تاثیر بزرگی بر خوانندگان می گذارد چونکه نثر او جزییات زندگی طبیعی را به شکل دقیق توصیف می کند. مناظر و جلوه های طبیعت را که او تشریح می کند. " قطار ایستاده بود. مسافر های کوپه ها ، سرشان را از پنجره ها بیرون آورده بودند و به جلو خط ، گردن می کشیدند. کومک لو کوموتیوران پایین آمده بود و پی علامتی می گشت. " (( همان : 150 ).

اما در خصوص ساختار جمله های داستان سفر نویسنده تلاش می کند سبک جمله ها را محکم و دقیق بسازد و از تکرار لغات یا افراط و اغراق در خیال خودداری می کند. بنابراین می توان ملاحظه کرد کاربرد جملات کوتاه و آسان به شکل بسیار در داستان وارد شود. " در پیاده رو به راه افتاد. قدم هایش را حس نمی کرد. پاها بنا به عادت که داشت، او را با خود می بردند " ( همان : 6 ).

چنانکه وقایع داستان سفر همان به ترتیب متوالی به نظر می آید. می بینیم که تسلسل وقایع داستان از قبیل رخ داد های، حوادث و وقایع داستان مثل زنجیر سلسله وار دیده می شود. می بینیم اهل شهر زندگی روزمره را به خوبی و بدی می گذرانند اما واکنش های شخصیت ها طبیعی و ناگهانی نیستند. به طور مثال شخصیت مختار از تهی دستی و فقر خود دلتنگ می شود و عازم سفر می گردد و علی و مرحب هر روزی به کار خودشان می روند و به همین ترتیب رویداد های داستان رخ می دهد. به عبارت دیگر، هیچ اتفاق ناگهانی به جز اولین حضور مرحب در لایه های این داستان دیده نمی شود.

#### نشانه های رئالیسم در رمان:

نویسنده یکی از برجسته ترین نویسندگان ایران در مکتب رئالیسم به شمار می رود. می توان گفت که دولت آبادی " واقعگرا ترین نویسنده داستان های روستایی ایران است " (عابدینی، 1386 : 100). رمان سفر از واقعیت برخاست که جلوه های این مکتب را از قبیل درد ورنج ملت ، فقر و تهیدستی، معایب جامعه، سیاست، اوضاع فرهنگ و اجتماع اهل جنوب، زن و اوضاع او و بسیار از این دست را به خوبی انعکاس می دهد. می توان نشانه های این مکتب را این گونه تقسیم کند:

**درد ورنج ملت:**

دولت آبادی درباره این جنبه می گفت: " در واقع من معتقدم که مردم ما پیش از ما ، نه کمتر از ما ، بسی بیش از ما رنج برده اند و تباهی دیده اند، یعنی این سرزمین یک لخته درد است، لحظه به لحظه اش که نگاه بکنید ، فاجعه ای است که فاجعه بعدی را دارد..." ( چهل تن، 1373 : 37 ).

نویسنده در این داستان سعی دارد درد ورنج مردم شهر خود را به شکل روشن نمایان کند. بسیاری از دردها ملت در لایه های داستان سفر به نظر می آید و می توان رنج مردم شهر را از قبیل مصائب، سختی ، محنت ، رنج و فقر و تهیدستی آن ها را مشاهده کرد. البته نویسنده سیمای های اوضاع زندگی را در بارسنگین شغل ها و غربت در شهرهای مختلف تجربه می کند و روشن است که این دردها در تمام شهر پخش می شود. خانواده مختار، علی، آصفی و حتی مرحب رنج می برند " علی گفت: - به عذب نمیدن. مگه چطور بشه. - وایسه همینه که تو این جا ، تو فوهه خونه می خابی؟ " ( آبادی ، 1352: 22 ).

سرنوشت دردناک مختار همچنین عاقبت آدم بدشانس است و غم انگیز است که این سرنوشت ماجراهای داستان را به خاتمه تراژدیک ختم می کند. " مختار به خود می لرزید .. تمام بدنش ، چون هراسه ای درباد. به تکان در آمده بود . گنگ و گیج و گول بود و نمی دانست چه باید کند؟ برود؟ بماند؟ برگردد؟ " ( همان ، 1352: 119 ).

همچنین ماجرا ها در خانواده های دیگر از قبیل خانواده مرحب و علی سرشار درد ورنج است و گفتگوی میان این دو نفر آن را توضیح می دهد: " حساب منم بدتر از تو بود. مادرم از رو ماشین دودی شا بدو لعظیم افتاد زیر چرخاش وله شد. یعنی خواسته بود مجانی بره زیارت! بعدشم بابام گم شد" ( همان : 1352 : 41 ).

چنان که همواره مرحب دردهای آدم های و بدبختی ها را به یاد می آورد. وقتی که خاتون از او سوال می کند، چرا حرف نمی زنی، او سری تکان می دهد و در جوابش می گوید: " چرا، ساکت شدی اما خوب از این چیزا واسه ی همه پیش میاد. نباید زیاد حرفش رو زد. دردی رو که دوا نمی کنه. بیخودی آدم نمک رو زخم بیاشه که چی؟ " ( همان ، 1352 : 64 ).

سرانجام می توان گفت که رنج و درد انسان، جنبه اساسی و برجسته ای در داستان سفر بر عهده می گیرد و هر گاه خوانندگانی داستان سفر را می خوانند احساس می کنند که خودشان جزیی از این داستان می شوند و از وقایع و رخ داد جدا نمی گردند.

**مهاجرت و غربت:**

مهاجرت عبارت است از : سرزمینی به سرزمینی دیگر یا یک فضا به فضای فرهنگ دیگر تبدیل می شود. ( خدایی، 1395 : 22). بنابراین مفهوم مهاجرت همین ترک سرزمینی یا وطن و دیار مادری و به جایی دیگر یا کشوری دیگر عزیمت کردن است.

در رمان سفر، مهاجرت و دور شدن از خانواده و اهل شهر یکی از جنبه های مهمی است که مورد توجه نویسنده بوده است. در ابتدای شخصیت اصلی رمان مختار است که در اثر کساد بازار و رکود اقتصادی به کشور خارج راه می برد. او معتقد است که امرار معاش برای خانواده دشوار می گردد و می تواند اوضاع اقتصادی خانواده اش را در کویت به خوبی تغییر دهد. بنابراین به این کشور ثروتمند راه می یابد : " خیال می کنم برم کویت... میگن مزد خوبی به آدم میدن

" (آبادی، 11: 1352). نویسنده در این گفته مهاجرت از میهن به خاطر امرار معاش را به شکل مستقیم و روشن مورد انتقاد قرار می دهد اما مختار راه حل و نجات را از فقر و تهیدستی به جز مهاجرت نمی داند. تصمیم گرفت به کشور نزدیک و ثروتمند سفر کند. البته مهاجرت مختار اجباری نبود چونکه خود این پناهندگی را به هدف بهبود یافتن شرایط اقتصادی انتخاب می کند. می توان گفت که پدیده ی مهاجرت مختار یکی از جنبه های اصلی داستان است که باعث می شود خود و خانواده اش در غربت اسیر شوند.

چنانکه شخصیت مرحب که در هیچ مکانی مستقر نمی شود و خود به عنوان غریب به شمار می رود. به همین اهل شهر از او چیزی نمی دانند و خودش سعی می کند یک رابطه آشنایی با علی ایجاد کند. مرحب در هیچ مکان خاصی مستقر نیست، گاهی به شهرهای مختلف دیگر می رود. "گیلان بودم. نزدیکای رشت. اون جا تو یکی از این کارخونه های براده کار می کردم" (همان، 1352 : 20). اما او می کوشد و به دنبال ایجاد دوستی یا یکی از افراد محله است. بالاخره مرحب همان مختار است که میخواهد از شرایط اقتصادی ناخوب فرار کند و به سمت کویت برود، او به علی می گوید " هر جا پیش بیاد. شایدم برم طرفای کویت. شنفتم اون جا کار فراوونه. اومدم ازت خدا حافظی کنم .. علی آرام گفت " کاش نمی رفتی... من خیلی غریب می شم " (همان، 1352 : 107).

همچنین علی اعتراف می کند و در این محله غریبه و بیگانه است. گفتگوی میان دو نفر غربت انسان را به خوبی تبیین می کند:

- آخه من غریبم. واسه اینه که خیال کردم تو هم مثل خودمی. حالا اسمت چیه؟

- علی

- پس غریب نیستی؟

- تو هم غریب نیستی، از حرف زدنت پیداست. " (آبادی: ص 19).

ایمان داریم که غربت و مهاجرت یکی از بارزترین ویژگی های داستان سفر است و نویسنده داستان خود را به علت پدیده ی مهاجرت مردم روستا به سمت کشورهای خارجی یا شهرهای دیگر با عنوان " سفر " می نامید.

#### طبقه کارگری و فقیر:

یکی از مهم ترین مبانی رئالیسم توجه به تفاوت طبقی و طبقه کارگری است. این جنبه یکی از ویژگی های فلسفه مارکس است که مورد توجه نویسندگان رئالیسم است. " برژوای واقعی بزودی به امکانات که ماشین های در مقایسه با دست های انسان داشتند پی برد و به تاسیس کارخانه پرداخت. به این طریق یاد گرفت که چگونه عرق کارگران را به پول نقد تبدیل کند" (رافائل، 1357 : 31)

قبل از ورود مظاهر پیشرفته و مدرنیته، زندگی ملت ایران بر پایه ی سنتی بنا بود. نویسنده به بافت اجتماعی و تفاوت طبقاتی توجه دارد. در داستان سفر، تفاوت طبقاتی که در میان فقیر و ثروتمند وجود دارد، در نمی یابیم، چون که بیشتر شخصیت های داستان از قشر فقیر جامعه به حساب می آیند. می بینیم قشر جامعه تملک یا ثروتمند نیست و بیشتر شخصیت های رمان یکسان باشند و نمی توانند از فقیر و تهی دستی خود را به زندگی مرفه یا بالاتر ارتقا بدهند. نویسنده ایمان دارد که مشکل درست نمی شود اگر عدالت اجتماعی محقق نشود. نویسنده قشر فقیر را به خوبی توصیف می کند. و قتی که مرحب به اطاق خاتون می رود از اوضاع خانه اش تصویری می دهد " مرحب نگاهی به دور اطاق گرداند.



اطاق لخت بود. لامپایی در طاقچه می سوخت و سقف هلالی طاقچه به اندازه ی یک ته استکان از دود لامپا سیاه شده بود... (دولت آبادی، 1352 : 79).

همچنین محمود دولت آبادی نویسنده و افعگرایی است که قشر فقیر و طبقه کارگری را به خوبی ترسیم می کند به همین دلیل که وی از این دو طبقه برخاسته بود ورنج فقیران و کارگران را به شکل عمیق حس می کند و به همین علت در بسیاری از صحنه های داستان به توصیف این آدم های می پردازد. " در کارخانه باز شد کارگرها دسته دسته بیرون آمدند واز کنار مرحب رد شدند" (همان ، 1352 : 105). نویسنده شخصیت مختار را به عنوان نماینده ی طبقه کارگری انتخاب می کند و بیان می کند که این قشر فاقد رعایت و توجه دولت هستند. مختار می گوید " من آهنگر قدیم. حالا دیگه سی و پنج، چهل سالمه! تو این کار خونه ها، آدم یا باید جوون باشه، یا خیره ی کار. وگرنه مزدچندونی نمیدن." (همان : 12). واز این رو روشن می شود که نویسنده در این داستان توانست فلاکت مختار را به خوبی ترسیم نماید که این فقر باعث می شود سرنوشت محکوم به مرگش را رقم بزند.

چنانکه فقر باعث فساد است. یکی از برجسته ترین علت های روسپی خاتون است. " فقر و بدبختی .. هه.. همینه دیگه. جور هی ما آدما که جز و آدم حساب نمیشیم، هر کدومون به یه راهی فنا میشیم " (همان ) که آنچه نویسنده مطرح نموده است ، بر اساس نگاه عمیق جامعه استوار است.

همان طور که نمایندگان طبقه کارگری شخصیت های دیگر از قبیل علی و آصفی و مرحب که همواره مورد اهتمام نویسنده قرار دارند که این افراد ناتوانا نیستند و همیشه تلاش می کنند نقش مثبت را در خدمت وطن خود داشته باشند. اما فرصت به دست نمی آورند. " کارگر باید جوهر داشته باشد" (همان: 27).

مرحب را می بینیم که همواره به کارخونه لاستیک سازی راه پیدا می کند . او از صبح وقت خوردن نان و چای خودش را به نزدیک دوستش علی می رساند و تلاش می کند این کار را به دست می گیرد. " کارخونه لاستیک سازی . گفتم این کارخونه لاستیک سازی کجاست... " (همان : 26). روشن گر است که زندگی کارگری و مردم روستا در داستان سفر روایتی است از فقر و تحمل رنجها و بحران روش اقتصاد اهل جنوب است. مرحب می گوید " گیلان بودم. نزدیکای رشت. اون جا تو یکی از این کارخونه های براده کار می کردم" (همان : 20). بالاخره طبقه کارگری شکسته می شود و برخی از نمایندگان آن به ور شکستگی و عجز می افتند. مختار و مرحب بهترین نمونه ی آن هستند که هر دو از کار بی کاری می شوند و نمی توانند خود را از فقر نجات بدهند ، مرحب به خاتون می گوید " من نمی توئم هر هفته، هر هفته خرج خونه بدم. کیسه م خالیه، تو دستم هیچ چیز نیست " (همان : 116)

### زن در زمان:

زن یکی از برجسته ترین مضامین اجتماعی است که جزیی از رئالیست زندگی و مورد اهتمام نویسنده قرار می گیرد. نویسنده در داستان سفر، دو زن فعال به نام های خاتون و بی بی به تصویر می کشد. نویسنده این دو زن را در بسیاری از مواقع در داستان مورد انتقاد قرار می دهد که آن ها تحصیل ندارند و فاقد آگاهی هستند. دولت آبادی ایمان دارد که زن باید عقیف و دل پاک باشد و وابسته به شوهر باشد وقتی که از او دور شد و فادار بماند.

در ابتدای ماجرا های داستان خاتون زن مختار به عنوان زنی عقیف و نجیب بود و تلاش می کرد به شوهر خود وفا بماند. به همین دلیل با مادرش عصبانی حرف می زند و نظر های مشکوک او را رد می کند. " چی داری برا خودت سرهم می کنی؟ سرت خالی شده؟ آخه من شوهر دارم، زن نا نجیبی که نیستم!" (همان: 47)

خاتون زنی است که نقش مهم و برجسته ای را در کنار مرد می گیرد. او بعد از مهاجرت شوهر برای امرار معاش کار می کند و همیشه رنج زندگی را می چشد. قبلاً اوقات شیرین و تلخ با مختار می گذشت و همین بارسنکین زندگی را بر دوشش آسان حمل می کرد. "خاتون خستی از زمین برداشت تا به دست مختار بدهد، اما هنوز کمر خود را راست نکرده بود که چشمش به چشم های نیلی رنگ گشتی افتاد" (همان : ص 13). در این ماجرای دیده می شود که راوی تیزچشم است و اوضاع زن را به عنوان مخلوقی ضعیف به تصویر می کشد اما شوهر خاتون به کوبیت سفر می کند و او را با دختر کوچکش رها می کند.

خاتون خانم از شوهر خود مأیوس شد و معتقد بود مختار از دنیا رفت و برای روحش عزای شویش را بر گزار می کند (همان : 50). پس از این حوادث به حال و اوضاع خود متوجه می شود که باید دختر کوچک خود را به خوبی پرورش دهد و هر چیزی را تحمل کند. او رابطه ناسالم با مرحب شکل می دهد.

زنی دیگر بی بی است که نمی توانست نقش شایسته در این داستان داشته باشد. او معتقد است که برخی اوقات سلطه ی مرد سالاری را به خوبی نقد می کند و ایمان داشت که هر غلطی که از سو زنان می آید به علت تقصیر مرد است. "اگه یه شوهر درست و حسابی بود، اقلن چار تا کلوم دعا سلام خشک و خالی برات می فرستاد" (همان ، 48). شخصیت بی بی تاثیر منفی و ناخوب بر رفتار خاتون داشت که همواره دخترش را در محل شباهت می گذارد. "او جیغ می کشید و به مادر خودش فحش می داد. می گفت کی به تو گفته بود که آدم غریبه بیاری به خانه ی من؟... مگر من جنده ام؟" (همان ، 72). در این داستان بی بی زنی مظلوم نیست. نویسنده او را زنی قادر به مطالبه حقوق دخترش به تصویر می کشد. اما رفتار نادرست او را به طور روشن برای خوانندگان تبیین می کند.

از بیان این دو زن می توان گفت که بیشتر زنان داستان سفر، زنانی نا آگاه هستند که همیشه تحت سلطه مرد سالاری و شرایط اقتصادی جامعه قرار دارند. و از این رو می توان گفت که زن یکی از نشانه های رئالیسم به شمار می رود.

#### معایب جامعه:

چنانکه گفتیم زن در داستان عنصر اصلی است و جایگاه برجسته دارد. محمود دولت آبادی معتقد است که زن قربانی جامعه است که همیشه از مردسالاری ضربه ای بر پیگرش نصیب برده است. البته در داستان های فارسی دیده ایم که بیشتر زنان، شریف و عقیف هستند و همواره زن ایرانی نماد است اما داستان سفر نویسنده خاتون را به عنوان قربانی جامعه توصیف می کند. خاتون زن قربانی شرایط اقتصادی آن زمان است که شاخصه های اش را در روابط نامشروع از دست می دهد. با مرحب که جوانی دمدمی مزاجی دلباخته است آشنا می شود و هر دو در صدد معاشرت بر می آیند. راوی به این طور توضیح داده است "خاتون که منتظر رسیدن مرحب است از کنج پنجره بیرون را نگاه کرد و لحظهای بعد پشت در آمد. در را باز کرد و بی صدا مرحب را به درون کشاند." (همان : ص 78). نویسنده در این ماجرای هر دو، مرحب و خاتون را به خوبی نقد می کند. می بینیم که مرحب به عنوان شخصیتی است که انگیزه ی شهوت و هوس جنسی بر او غلبه می کند. او می دانست زن مختار را فریب می دهد. خاتون وابسته به شوهرش نیست که هویت و رنگ زن عقیف را کم کند. درست است که این زن فردی رنجور و نیازمند است اما این ها باعث نمی شود به وفاداری به همسر خود ضربه بزند. نویسنده در داستان سفر، عشق را به عنوان مساله ی زشت می داند و بر عکس عشق زیبا رمان کلیدار است که رفتار متقابل گل محمد و مارال مطرح می شود. نویسنده در داستان سفر، رابطه مشکوک مرحب

وخاتون را نقد می کند. مرحب وخاتون خبر مرگ مختار را تصدیق می کنند و او را کشته می پندارند. مرحب فرصتی به دست می آورد و بارها از زن مختار کام می گیرد.

نویسنده قضایای اخلاقی را که در پرده پنهان شده تبیین می کند که معتقد است این مسائل لطمه به آداب جامعه می زند. معایب جامعه از لحاظ نامی، دروغ و ناسزا گفتن در لایه های رمان سفر دیده می شود. می بینیم بی بی به نوه اش فحش می داد "کولی، یه وجبی، بی پدر، بیا سر مرگت را بذار" (همان، 85) "بی بی خم شد و فحش داد: تخم حروم ولد الزنا، بیا بگیر سر مرگت بدار" (همان، 90)

شخصیت دیگر که فحش و دشنام می دهد، مرحب است که باعث می شود به رسوم و آداب جامعه لطمه می زند "وقتی که مرحب برای استخدام در کارخانه می رود یکی از افرادی که رد شده بود با عصبانیت می گوید، خواهرتون را.... بیدم" (همان).

عرق خوردن و فاحشه گویی یکی از معایب جامعه است که مد نظر نویسنده است. نویسنده از این رفتارهای بد را که در شخصیت مرحب و علی منعکس می شود انتقاد می کند. "در نظر داشتند بلاخره یک شبی با هم عرق بخورند و مرحب علی را همراه خودش به جنده خانه ببرد" (همان، 39)

چنانکه نویسنده در این داستان بیماری را که ناشی از آلودگی محیط زیست ارائه می کند و معتقد است که افراد جامعه مراقبت و خدمت های بهداشتی از سوی حکومت دریافت نمی کنند. خانواده علی از این اوضاع ناخوب نصیب دارد که پدر علی به بیمار سرفه مبتلا می شود و مراقبت لازم یا درمانی انجام نمی شود. "خون بالا میاره. داشت روده هاش از حلقش می ریخت بیرون! - از بس که تو معدن گرد گو گرد چپیده سینه ش. شاید جیگرش سوراخ شده" (همان، 77).

#### دین:

کلمه ی دین یعنی مردم مؤمن با کمک آن از شیاطین حفظ شوند. ویکی از نشانه های رئالیسم که مورد توجه نویسنده دین است، نویسنده مختار را به عنوان دیندار می دانست. او نماز را در اول وقتش می خواند و حلال و حرام خدا را تغییر نمی داد "مختار جانماز را از طاقچه برداشت، پهن کرد و به نماز ایستاد" (همان، 10). چنانکه روشن است که مختار یک مؤمن است و به خدا اعتقاد زیادی دارد که وقتی که عزم سفر می کند زن و دختر خود را بغل می کند و آن ها را نزد خدا امانت می سپارد. "اول خدا، بعدش تو بی بی، خانواده ام را به تو می سپرم" (همان، 15)

دولت آبادی به زیارت امامزاده و شاه عبد العظیم اشاره داشت و جایگاه بزرگ امامان شیعیان را نزد ایرانیان و مردم مسلمان تبیین می کند. نویسنده برخی از رسوم و آداب دینی را هم نقد می کند. اینجا باید گفت و نیاز است که بدانیم مردم مسلمان باید به زیارت خالصانه بپردازند چونکه این جایگاه پاکیزه و مقدس است. در داستان روشن است و قتیکه مرحب وخاتون به امامزاده رفتند مرحب عذاب وجدان داشت و صدقه می داد: "مرحب صدقه داد و با هم رو به حیاط امامزاده به راه افتادند. توی حیاط شلوغ بود." (همان، 61). چنانکه مرحب و قتیکه به شاه عبد العظیم با خاتون می رود زیارت نمی کند خاتون از او می پرسد: "تو زیارت نمی کنی؟ - نه من حوصله اش رو ندارم" (همان: ص 63). چنانکه خاتون به یاد شوهرش می رود "پارسال این موقع با هم رفته بودیم شاه عبدالعظیم کاهو می خوردیم، ما جانوران دو پا چه جور مخلوقاتی هستیم؟" (همان: 62)

شک نیست که خانم خاتون دیندار است و فضایل امام علی و اهل البیت را به خوبی می داند " خاتون شمایل حضرت علی را هم تو طاقچه ی کنار پستو گذاشته و رویش را با چارقند توری شب عروسیش پوشانده بود که گرد رویش ننشیند. معلوم بود که خاتون خاطر حضرت علی را هم خیلی می خواهد و لابد خاطر ابو فضل را هم می خواهد.. " ( همان، 79)

باید گفت که جامعه در داستان سفر جامعه دیندار است و باید شرایط دینی در همه کارها رعایت شود. اهل محله وقتیکی رابطه مرحب با خاتون رامی بینند از او می پرسند " هر جا میرم اصول دین ازم می پرسن. قبلن کجا کار کردی؟ رضایت نومه ت کو؟ ضامن کی؟..." (همان : 116). و به همین دلیل می توان گفت که موضوع دین یکی از مسائلی مورد توجه و عنایت آبادی می باشد. او دین را رد نمی کرد اما عقیده دارد که برخی از افراد جامعه از قبیل مرحب از شعائر دینی سوء استفاده می کردند.

### نتیجه گیری

سفر، داستانی رئالیستی است که نشانه های واقعگرایی در داستان سفر دیده شده است، وقایع صادقانه و دور از خیال است که از شرایط سیاسی و اجتماعی، تفاوت طبقاتی، طبقه ی کارگری و رعیت، غربت و سفر و معایب جامعه ارائه می دهد.

محتوی داستان واقعیتی از لایه های اجتماع برخاسته شده است. نویسنده محمود دولت آبادی جزئیات زندگی مردم را به شکل روشن و دقیق توصیف می کند. بنابراین در لایه های داستان می بینیم زندگی روزمره، و درد طبقات مختلف جامعه ورنج آنها و رسوم و آداب مردم جنوب منعکس می شود.

نتیجه می گیریم که نویسنده مزبور دارای اندیشه های کمونیست است و گرایش به اندیشه های رئالیستی سبب شده است که وی جامعه ای فقیر و مستمند را در لایه های داستان سفر به تصویر بکشد و به گرسنگان عنایت داشته باشد.

هامش:

- <sup>1</sup> Realism
- <sup>2</sup> Gustave Flaubert
- <sup>3</sup> Chan Fleury
- <sup>4</sup> Murger
- <sup>5</sup> Duranty

### منابع

- 1- خدایی، نرجس: ادبیات بینافرهنگی، نویسندگان تبار در المان، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران 1395
- 2- چهل تن، امیر حسین و فریدون فریاد: ما نیز مردمی هستیم، تهران، چاپ 2، نشر پارسی، 1373
- 3- حسینی: رضا سید: مکتب های ادبی، تهران، موسسه انتشارات نگاه، جلد اول، 1387

- 4- دستغیب، عبد العلی: نقد آثار محمود دولت‌آبادی، شیراز، نشر ایما، ۱۳۷۸
- 5- دولت‌آبادی، محمود: سفر، تهران، انتشارات گلشابی، چاپ دوم 1352
- 6- رافائل، ماکس: تاریخ رئالیسم، (ترجمه محمد تقی فرامرزی)، تهران، انتشارات شباهنگ، چاپ دوم 1357
- 7- روستا: امید: جلوه‌های ناتورالیسم در رمان سفر محمود دولت‌آبادی، پژوهشنامه اورمزد، شماره 52، پاییز، 1399
- 8- شفیعی کدکنی، محمد رضا: موسیقی شعر، تهران، انتشارات آگاه، چاپ هشتم 1384
- 9- شیری، قهرمان: مکتب‌های داستان‌نویسی در ایران، تهران، نشر چشمه 1382
- 10- شیری، قهرمان: روایت روزگار، نگاهی به کارنامه محمود دولت‌آبادی، مشهد، نشر بوتیمار ۱۳۹۶
- 11- عنان، لیلی: الواقعية في الادب الفرنسي، القاهرة، دار المعارف، مجلة كتابك، العدد 175 سنة 1984
- 12- مشتاق مهر، رحمان و کریمی قره‌بابا، سعید: شکل‌شناسی داستانهای کوتاه محمود دولت‌آبادی، فصلنامه تخصصی نقد ادبی، سال دوم، شماره 8، 1388
- 13- نصر اصفهانی، محمد رضا: سبک‌شناسی رمان جای خالی سلوچ، فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره سیزدهم، تابستان 1378